



فتاح راشدی
حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

دقایق و حقایق تربیت فرزندان

یکی از جذابیت‌های دین اسلام، دستورهای دقیقی است که در این دین مبین درباره مسائل تربیتی وارد شده است؛ نکاتی که بارها از زبان اولیای دین درمورد تربیت فرزندان بیان شده است که حتی شنیدن آن، انسان را به شگفتی وامی‌دارد که چقدر دراین دین عزیز به عنصر روان و رفتار و تربیت صحیح توجه شده است. کتاب‌های زیادی درباره تربیت فرزند از دیدگاه اسلام و پیامبرگرامی و اولیای دین، تألیف و تدوین شده است. نکته دیگری که بسیار جالب توجه است، ابوابی است که در این مسئله وجود دارد و باز نشان از دقت و عمق نگاه دینی در مسئله تربیت دارد؛ تربیتی که از پیش از تولد در اسلام شروع می‌شود. از رسول خدا(ص) روایت شده است که؛ «بنگر که فرزندت را در کدام رحم قرار می‌دهی؛ زیرا اصل و ریشه، تأثیرگذار است» و در حدیثی دیگر از ایشان آمده است؛ «برای نطفه‌های خود، بهترین رحم‌ها را برگزینید؛ زیرا زنان، فرزندانی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند».

پس اولین نکته، انتخاب همسر است و نکته بعد لقمه‌ای است که شخص سر سفره خانواده خود می‌برد. رسول خدا(ص) در این باره می‌فرمودند؛ «و لا یدخل الجنة من نبت لحمه من السحت النار اولى به؛ داخل بهشت نمی‌شود فردی که گوشت و پوستش از مال حرام روییده باشد. چنین فردی به آتش دوزخ و شقاوت، شایسته‌تر است تا سعادت». در حدیثی دیگر آمده است که ایشان به عبدا... بن مسعود می‌فرمایند؛ «ای پسر مسعود! حرام مخور، حرام نبوش، از راه حرام زن بگیر و نافرمانی خدا مکن؛ زیرا خداوند به ابلیس می‌فرماید؛ با بانگ خویش هرکه را می‌توانی، از جای برکن. هرچه عده و عُده داری، جمع کن و با سوارگان و پیادگانت بر آنان یعنی حرام‌خواران بتاز و در اموال و فرزندان آنان، شریک شو و به آنان وعده بده و البته شیطان جز قریب وعده‌شان نمی‌دهد».

آن بخش از معارف دینی که انسان یادیدن آن منقلب می‌شود و اشک شوق می‌ریزد، دستوراتی است که درباره محبت کردن به فرزند آمده است و سیره پیامبر خدا(ص) در این باره، بسیار زیبا و اعجاب‌انگیز است.

ایشان فرموده‌اند؛ «اگر فردی کودک گریانش را خشنود کند تا آرام گیرد، خداوند عزوجل آن قدر آن نعمت‌های بهشت به او عطا می‌کند تا خشنود شود».

و در حدیثی دیگر می‌فرمایند؛ «هرکه دخترپچه خود را شادمان کند، مانند شخصی است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل ذبیح(ع) را آزاد کرده باشد و آن که پسرپچه خود را مسرور سازد و دیده او را روشن کند، مانند فردی است که چشمش از خوف خداوند، اشک فروریزد».

گاهی مردم، کودکان خود را پیش پیامبرمی‌آوردند تا حضرت، نامی برای آن‌ها انتخاب کنند یا اذان و اقامه در گوش نوزادانشان بخوانند. گاهی حضرت، طفل را می‌گرفتند و برای گرمای داشتن خانواده‌اش، او را بر دامن خویش می‌نشاندند. بسیار اتفاق می‌افتاد که آن طفل بر روی دامن پیامبر(ص) ادرار می‌کرد و در این هنگام، صدای فریاد مردم بلند می‌شد. پیامبر(ص) می‌فرمودند؛ «ادرا را و را قطع نکنید». پس اجازه می‌دادند که ادرار طفل تمام شود. بعد برای آن طفل دعا می‌کردند یا آنکه نامی برای او برمی‌گزیدند و می‌فرمودند؛ «اگر مو ا ولدکم و احسنوا ادبهم یغفرکم؛ کودکان را با تکریم کنید و آنان را خوب تربیت کنید تا خدا شما را ببخشد».

درمورد بوسیدن فرزند هم احادیث زیادی وارد شده است که با همین بوسیدن، خدا به پدر و مادر فرزند، رحمت عنایت می‌کند و در مقابل، درمورد فردی که هیچ‌گاه فرزندان خود را نبوسیده بود، پیامبر(ص) خشمگین می‌شدند و او را جهنمی می‌خواندند. از دیگر نکات مهم در باب تربیت فرزند، وفا به عهد پدر و مادر در برابر قول و قرارهایی است که به فرزندان خود می‌دهند و دیگر رعایت عدالت میان فرزندان که بسیار مهم است و برای هر کدام، احادیث زیادی وارد شده است که پرداختن به تک‌تک آن‌ها از حوصله این نوشتار خارج است.

اما درمورد محبت کردن به فرزندان، روایتی دیدم که اشک از چشمم جاری کرد؛ روایت شده است زنی به همراه دو کودکش نزد عایشه همسر رسول خدا(ص) رفته بود. عایشه به رسم میهمان نوازی، سه خرما نزد آن زن گذاشت. از زن خرماها را گرفت و به هریک از آن پچه‌ها یک خرما داد و سپس خرمای سوم را نیز نصف کرد و به هریک از آنان، نیمی از آن داد. بعد از رفتن این زن، پیامبر(ص) وارد خانه شدند. عایشه ماجرای پیش‌آمده را تعریف کرد. پیامبر(ص) فرمودند؛ «چیز عجیبی نیست که خداوند به خاطر لطف این زن به فرزندانش، او را مشمول رحمتش قرار دهد».

از خداوند بزرگ می‌خواهیم که توفیق عمل به دستورهای دین در باب تربیت فرزندان را به ما عنایت کند و فرزندان ما را مایه افتخار خانواده و میهن خود قرار بدهد. ان شاء الله!...

بدانید من فاطمه هستم

درباره حضرت فاطمه(ص) و شأن و جایگاه ایشان، کتاب‌های عمیق، سلیس و پرمحتوایی نوشته و منتشر شده است. در کتاب «بدانید من فاطمه هستم»، نویسنده از قبل تولد تا پس از شهادت حضرت فاطمه(ص)، به آگاهی بخشی و روایت می‌پردازد. از سرگذشت، شخصیت، اسرار زندگی و جایگاه زهرا ی مرضیه(ص) سخن گفته شده است و ما را با زوایایی تازه از زندگی ایشان آشنا می‌کند. این اثر در سیزده فصل نگاشته شده است و مستند به آیات و احادیث و روایات است. می‌توانید برای هر نکته و سخنی که در کتاب آمده است، به منابع رجوع کنید.

هدف از تألیف این کتاب، شناخت قسمت کوچکی از جنبه‌های شخصیتی و مقام والای حضرت فاطمه(ص) و روشن‌گری درباره بسیاری از شبهات و مجهولات مربوط به ایشان است. شخصیت حضرت زهرا(ص) در کلام وحی، «ولایت حضرت فاطمه(ص)»، «اسرار و آثار حضرت فاطمه زهرا(ص)»، «کرامات و معجزات حضرت فاطمه(ص)» و «دفاع حضرت فاطمه(ص) از امامت و امام خویش»، جزو محورهای اصلی نگاشته شده در کتاب است. حضرت فاطمه(ص) از نسل فردی است که خداوند درباره او فرموده است؛ «خلقت الانبیاء لاجلک و خلقتک لاجلی؛ همه چیزها را برای تو و تو را برای خودم آفریدم» در این بیان نورانی، عظمت وجودی پیامبر اکرم(ص) به تصویر کشیده شده است؛ هرچند عقل ما از درک کنه آن ناتوان و عاجز است. بر کسی پوشیده نبود که سخنران، آن روز در مسجد مدینه و در حضور بزرگان از مهاجران و انصار، فاطمه زهرا(ص)، دختر نبی اکرم(ص) است. او نیازمند نبود نام خود را در گوش جماعتی بخواند که وی را نمی‌شناخند. فاطمه(ص) به جماعتی که سودای قدرت، آنان را از درک و تصدیق حقایق ناتوان ساخته است و از جاده حق و صراط مستقیم منحرف شده و به مسیر باطل درغلتیده‌اند، حجت آشکاری را با آآوری می‌کند که می‌تواند کجی و ناراستی قول و فعل همگان را معلوم سازد و عوام و عموم مردم را که مبتلای غفلت از حجت حضرت حق شده‌اند، به مسیر حق ببرد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

«در روزهای آخر عمر حضرت زهرا(ص) هنگامی که آن دو با اجازه امام علی(ع) به ملاقات آن بانوی بزرگوار رفتند، آن حضرت صورت خود را به سوی دیوار برگرداند و از آنان پرسید؛ «شما را به خدا سوگند می‌دهم، آیا شنیده‌اید که رسول خدا(ص) فرمودند؛ «فاطِمَةُ بَعْثَةُ مِنِّي، مَنْ أَذَاهَا فَقَدْ أَذَانِي، رضا فاطمه مِن رضای و سَخَط فاطمه مِن سَخَطی؛ فاطمه پاره تن من است. هرکه او را بیازارد، مرا آزرده است. رضایت فاطمه از رضایت من و خشم فاطمه از خشم من است؟».

گفتند؛ «آری شنیدیم».

حضرت فرمودند؛ «فَأَنِّي أَشْهَدُ... وَ مَلَائِكَتُهُ أَتُكَلِّمُ أَصْحَابَكُمْ بِأَنِّي وَ مَا رَضَيْتُمَانِي وَلَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ صَلَّى... علیه وآله لأشکوَنَّكُمَا إليه؛ خدا و فرشتگانش را به شهادت می‌گیرم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید(و آزار دادید) و موجب خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با(پدرم) رسول خدا(ص) ملاقات کنم، شکایت شما را نزد او خواهم برد».



شهریار
شماره ۳۳
آذر ۱۳۹۷
شماره ۳۳

۱۴



معارف

نگاهی به مصادیق تربیتی حضرت زهرا(ص) در برخورد با فرزندان

مشق مادری از روی دست حضرت مادر

حمیده ذاکری اتریبیت فرزند، زنانه و مردانه ندارد و به عهده پدر و مادر باهم است اما بانوان به دلیل زمان بیشتری که با کودکان می‌گذرانند، نقش مهمی در تربیت فرزندانشان دارند؛ البته این تمام راز اهمیت نقش مادری در تربیت و بزرگ کردن اولاد نیست؛ زیرا براساس آموزه‌های دین ما اسلام، سعادت یا شقاوت انسان از دامن مادر و تربیت او آغاز می‌شود؛ آن چنان که در روایات آمده است؛ «سعادت و شقاوت انسان در شکم مادرش تعیین می‌شود».^۱ این سخنی نیست که بتوان از کنار آن به سادگی گذشت. فرزند براساس آموزه‌های دینی، بخشی از وجود والدین است؛ چنان‌که می‌خوانیم؛ «فرزند، جگرکوشه مؤمن است».^۲ اما این پاره تن اگر به درستی تربیت شود، گلی از گل‌های بهشت خواهد بود.^۳ که باعث و بانی برکت و رحمت در خانواده است.^۴ پس تربیت و پرورش فرزند و ساختن روح و شخصیت او از وظایف سنگین و مسئولیت‌های بزرگ والدین است که هرگز نمی‌توانند در برابر آن کوتاهی کنند. در حال حاضر اهمیت نقش مادر در پرورش فرزند بر کسی پوشیده نیست، با این حال گاه به نظر می‌رسد که زنان درکنار همسرداری و مدیریت خانه و خانواده در حوزه فرزندپروری با پرسش‌های بی‌شماری تنها مانده‌اند. اینجاست که لزوم وجود سرمشقی برای مادری اهمیت پیدا می‌کند؛ سرمشقی که برای ما زنان مسلمان در وجود حضرت زهرا(ص) مصداق پیدا کرده است.



۱. بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۴۴
۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۲
۳. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۳
۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۸

از فرزندانش می‌خواست به او آموزش دهند

حضرت زهرا(ص) با اینکه الگوی زنده قرآن کریم بودند، از روش‌های عملی و آموزش‌های غیرمستقیم برای ارشاد فرزندان‌شان بهره می‌بردند؛ به طور مثال در روایت آمده است؛ «امام حسن(ع) در پنج سالگی هر روز به مسجد می‌رفتند و از کلمات و مواظلی که پیغمبر اکرم(ص) در مسجد بیان می‌فرمودند، به ذهن مبارک خود می‌سپردند. به خانه می‌آمدند و برای مادر بزرگوار خود کلمه به کلمه بیان می‌کردند و چون امیرالمؤمنین علی(ع) به خانه تشریف می‌آوردند، حضرت صدیقه طاهره(ص) آن‌ها را برای آن جناب بازگو می‌کردند. روزی حضرت علی(ع) پرسیدند؛ ای فاطمه! تو در مسجد حاضر نبودی، از کجا این کلمات را فهمیدی؟ حضرت پاسخ دادند؛ فرزندم حسن(ع) هر روز آنچه پدر بزرگوارم بر منبری می‌گوید، بی‌کم و کاست به همان ترتیب، برایم بیان می‌کند». این روایت نشان می‌دهد که حضرت زهرا(ص) چطور با سپردن نقش به فرزندان‌شان، آن‌ها را در مسیر آموزش قرار می‌دادند.

مراقب رعایت مساوات و عدالت بین فرزندانش بود

کشتی بگیرید. آن‌ها به خواست پیامبر(ص) کشتی گرفتند. حضرت زهرا(ص) می‌فرمایند؛ من دیدم پدرم با جملاتی، حسن(ع) را تشویق می‌کند و درصدد تقویت اوست. بدین سبب به پدرم گفتم؛ ای پدر بزرگوار! از شما تعجب می‌کنم که یکی را بر دیگری ترجیح می‌دهید، آن هم بزرگ‌تر را بر کوچک‌تر. پیامبر(ص) فرمودند؛ برادرم جبرئیل، حسین(ع) را تشویق می‌کند و من حسن(ع) را تشویق می‌کنم». از همین روایت چند خطی، می‌توانیم به برخی مصادیق تربیتی که در خانه حضرت زهرا(ص) رعایت می‌شد، پی ببریم؛ نکاتی که دربرگیرنده محورهایی چون ایجاد رقابت بین فرزندان حتی در بازی، تبعیض نگذاشتن بین فرزندان، رعایت مساوات و برابری و عدالت بین فرزندان، لزوم تشویق فرزندان حتی دراموری مانند بازی و مسابقه، توجه به بازی‌های حرکتی و ورزشی، توجه به بازی خاصی به نام کشتی و... است.

پرورش روحیه عبادی در کودکان

یکی از موضوعات اساسی که حضرت زهرا(ص) در تربیت فرزندان‌شان به آن توجه می‌کردند، پرورش بعد پرستش در فرزندان و انجام تکالیف الهی و عبادی بود. امام حسن(ع) در این باره می‌فرمایند؛ «شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت مشغول بود و مرتب مؤمنان و دیگران را دعا می‌کرد، درحالی‌که هیچ دعایی برای خود نمی‌کرد، پس از ایشان پرسیدم؛ مادر! چرا همان‌گونه که برای دیگران دعا می‌کنید، برای خودتان دعا نمی‌کنید؟ فرمودند؛ فرزندم! ابتدا همسایه، سپس خانه(بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۱).

در ارتباط با خدا و خلق خدا، الگوی فرزندانش بود

فاطمه(ص) همواره شاهد بودند که مادرشان به مردم کمک می‌کرد و خود گرسنه می‌ماند و به قیمت گرسنگی خود، دیگران را سیرمی‌کرد.(بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۳۴). کمک و انفاق فاطمه(ص) به مردم، تنها مربوط به مسائل اقتصادی نبود، بلکه ایشان معلمی بودند که در هر فرصتی به پرسش‌های مردم پاسخ می‌دادند و از نظر اخلاقی و عبادی نیز به آن‌ها کمک می‌کردند. فرزندان ایشان درکنار خود، مادری را می‌دیدند که درکنار فعالیت‌های روزمره، اهتمام ویژه‌ای به ارتباط با پروردگار دارد و در عین پرداختن به این عمل، حواسش به خیر و نیکی و ارتباط با مردم نیز هست.

فرزندانش را دوست داشت و این دوستی را نشان می‌داد

وقتی ما در نقش پدر و مادر هستیم، تصور می‌کنیم همین که فرزندانمان را اداره و سرپرستی کنیم، به معنی این است که آن‌ها را دوست داریم، درحالی‌که فرزند باید این محبت را در رفتار و کلام ما نیز ببیند. این ویژگی است که در شاخص‌های تربیتی حضرت زهرا(ص) با فرزندان‌شان بسیار پررنگ مشاهده می‌شود. براساس روایات، مادر سادات وقتی می‌خواستند فرزندان‌شان را صدا بزنند، آن‌ها را با واژه‌های محبت‌آمیزی خطاب می‌کردند، به طور مثال فرزندان‌شان را باقره عینی(نور چشم) و ثمره فوادی (میوه دلم) صدا می‌کردند. (مهدی نیلی پور، فرهنگ فاطمیه، ص ۱۸۰). همچنین به سفارش پیامبر(ص)، بچه‌ها را دسته‌گل می‌دانستند؛ قال رسول... (ص)، «الولد ریحانه و ریحانئ الحس و الحسن» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۱). حضرت زهرا(ص) رسیدگی و محبت به فرزندان‌شان را بر هر کار دیگری مقدم می‌شمردند و معتقد بودند که در نگهداری و پرورش فرزند، مادر از هر فرد دیگری سزاوارتر است.

با فرزندان‌شان بازی می‌کردند و برایشان شعر می‌خواندند

برخی از ما تصور می‌کنیم تربیت دینی، تربیتی خشک و رسمی است و در آن، از بازی و تفریح خبری نیست. درحالی‌که در خانه امیرالمؤمنین(ع)، فرزندان با جد خود رسول... (ص) بازی می‌کردند. حضرت فاطمه(ص) خود نیز با فرزندان‌شان هم بازی می‌شدند و در وقت بازی به آموزش معنوی و فکری آن‌ها هم توجه می‌کردند. ایشان حین بازی با استفاده از الفاظ و جملات مناسب، در راه ساختن شخصیت کودکان‌شان و ارائه الگوی مناسب زندگی برای آن‌ها تلاش می‌کردند؛ به طور مثال آن بانوی بزرگوار هنگام بازی با فرزندان‌شان امام حسن مجتبی(ع) اشعاری می‌خواندند که دارای این مضامین بود؛ «پسرم حسن! مانند پدرت باش؛ ریسمان ظلم را از حق برکن. خدایی را بپرست که صاحب نعمت‌های متعدداست و هرگز با صاحبان ظلم و تعدی، دوستی مکن» (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۶).

حتما شنیده‌اید که می‌گویند کودکان آیینه والدین هستند. این ضرب‌المثل به آموزش عملی فرزند اشاره می‌کند. فرزندان ما در مدتی که با ما سپری می‌کنند، هرآنچه ما انجام می‌دهیم، ثبت و ضبط کرده، در خاطر خود نگه می‌دارند؛ به همین دلیل مثلا والدینی که خوداهل عبادت و سبک زندگی هستند، نمی‌توانند از فرزندان‌شان توقع داشته باشند که در امور عبادی کوشا باشند. حضرت زهرا(ص) الگویی کامل برای فرزندان‌شان بودند. شاید یکی از آموزه‌های ایشان، تقویت حس نوع دوستی و روحیه انفاق و بخشش در کودکان بود. در کتب حدیث وارد شده است که فرزندان